

# کمون پاریس همیشه زنده است !

## از کمون بیاموزیم !

رحمت خوشکدامن

در سپیده دم ۱۸ مارس کارگران پاریس با شهامتی بی نظیر و قهرمانانه در وضعیتی استثنائی با فریادهای زنده باد کمون حکومت بورژوازی را سرنگون می کنند . کمیته مرکزی گارد ملی که در آن لحظه ۲۱۵ گردان متشکل را تحت فرمان خود داشت ، تمام قدرت را در دست میگیرد و فرمان تسخیر تمام مراکز مهم دولتی را صادر می کند . بورژوازی و نماینده ه اش " این فسقلی بد نهاد تی یر " به ورسای متواری می شوند و از آنجا برای بازپس گردانیدن حکومت از دست رفته شان تلاش می کنند .

کمیته مرکزی گارد ملی در اولین جلسه خود در تالار شهرداری که چند ساعتی از تصرف آن نگذشته بود . سرنگونی دولت بورژوازی را اعلام می نماید و در اولین قطع نامه خود فرمان لغو حکومت نظامی و آزادی تمام زندانیان سیاسی را صادر می نمایند . در فاصله کوتاهی که در قدرت بود ، توانست با قاطعیتی باور نکردنی اقدامات وسیعی را بر علیه نظام ضد انسانی بورژوازی و ماشین سرکوب بوروکراتیکش انجام دهد . آنها از همان روزهای اول پایه های قدرت دولتی بورژوازی را نشانه گرفتند .

کمیته مرکزی گارد ملی پس از چند روز فرمان انتخابات آزاد را صادر می کند و از تمام مردم می خواهد که در آن شرکت کنند . در ۲۸ مارس انتخابات کمون برگزار می گردد . کمیته مرکزی که تا آن روز وظایف حکومتی را انجام می داد ، پس از صدور فرمان انحلال ارتش و پلیس استعفا می دهد . در ۳۰ مارس کمون نظام وظیفه را منحل اعلام می کند . و بجای آن گارد ملی را بوجود می آورد که همه افراد قادر به شرکت در آن و اجازه حمل سلاح را داشتند . انتخابی بودن تمام مقامات رسمی را تصویب می کند و برای اینکه تبعیضی بین تمام مقامات و اعضای کمون قائل نشوند حقوق ها را تا ۶۰۰۰ فرانک در نظر می گیرد . کمون توانست جدائی کلیسا از دولت را سازمان دهد ، کمک های مالی دولت به کلیسا نیز حذف را نیز حذف کند . تحصیلات رایگان برای تمام شهروندان بوجود آورد . کمون اجاره خانه های پرداخت نشده را باطل می کند و کار شبانه نانوایان را ممنوع اعلام می نماید . در ۶ آوریل در میان شادمانی عمومی مردم دستگاه گیوتین را در انظار به آتش می کشد . و شش روز بعد یعنی در روز ۱۲ آوریل کمون با تصمیم شجاعانه اش ستون و اندوم را که مظهر میهن پرستی افراطی و نماد ناسیونالیسم افراطی بود ، که پس از جنگهای ۱۸۰۹ با ذوب کردن توپ های به غنیمت گرفته شده ساخته شده بود را نیز به آتش می کشد .

همه این اقدامات در حالی از طرف کمون صورت می گیرد که از بین ۸۶ نماینده منتخب کمون تنها ۲۸ نفر از کارگران تشکیل می دادند و بقیه ترکیب شده بوده از کارمندان ( ۸ نفر ) . نمایندگان وابسته به خردبورژوازی ( ۲۹ ) . نمایندگان سیاسی بورژوازی ( ۲۱ ) .

عمر کمون ۷۲ روز بیشتر نبود ، اما در این مدت کوتاه با اقداماتی که انجام داد پیگر ترین دموکراسی را به نمایش گذاشت که در تاریخ جنبش کارگری بی سابقه بوده است . کمون در عمل نشان داد که طبقه کارگر برای آنکه از یک

طرف پایه های دولت بورژوازی را از بین ببرد و از طرفی دیگر بجای ماشین بوروکراتیک بورژوازی ، ماشین بوروکراتیک دیگری را جایگزین آن نکند ، راهی جز دموکراتیک کردن تمام نهادهای سیاسی و اقتصادی و... وجود ندارد.

کمون قدرتی برآستی دموکراتیک بود ، قدرتی که تکیه گاه و مبنایش آراء عمومی بود . کمون نماینده ملت بود . از این جنبه دیگر دولت به معنای خاص کلمه نبود . شری بود که از جامعه بورژوازی به ارث رسیده بود که بسادگی طبقه کارگر از " مضار آن" در کوتاهترین زمان نمی توانست رها گردد . " تا آنکه زمانی فرا برسد که در آن نسلی که در شرایط جدید و آزاد بزرگ شده است ، قادر به آن گردد که خود را از قید خوان یغمائی بنام دولت رها سازد . (۱)

در یک کلام کمون دولت کارگری بود که برای رهای کارگران گام برمی داشت . کمون اولین تجربه کارگران بود . تجربه ای که همراه خود خطای های بزرگی نیز داشت که شاید اگر آنها نبود عمرش طولانی تر می شد . و یا شاید موفق می شد کارگران اروپا را به یاری و همبستگی با خود بکشاند و مسیر دیگری را طی کند . از میان خطای های کمون ، دوخطای مهم آن را می توان چنین بیان کرد :

خطای اول : کارگران با آنکه نمایندگان سیاسی سرمایه داران را در هم شکستند و آنها سراسیمه به ورسای فرار می کنند ، اما از نظر اقتصادی به مهمترین تکیه گاه آنها ( بانکها ) حمله نمی کنند . بدین خاطر بورژوازی با خیالی آسوده بدون اندک فشاری به تی بی بی ، تی بی بی موفق می گردد نیروهای لازم را بر علیه کمون سازماندهی کند و خود را برای درهم شکستن کمون آماده سازد .

خطای دوم : کمیته مرکزی گارد ملی شرایط اضطراری پس از قیام ۱۸ مارس را در نیافت و خیلی زود قدرت را به کمون محول نمود . این امر باعث شد که بجای تمرکز و حمله به ورسای که تی بی بی در آنجا سنگر گرفته بود با انتخابات کمون ائتلاف وقت نماید . چنانکه همین امر باعث آن شد که بورژوازی وقت لازم را برای حمله به پاریس داشته باشد .

مارکس ۱۸ روز پس از قیام کارگران در نامه ای به لیبکنشت به همین موضوع اشاره می کند و می گوید : " به نظر می رسد که پارسی ها مغلوب شده اند . تقصیر خودشان است اما تقصیری که عملاً از خوش نیتی آنها ناشی می شود . کمیته مرکزی ( گارد ملی ) و بعداً کمون به تی بی بی - این فسقلی بد نهاد - فرصت دادند که نیروی خصم را متمرکز سازد زیرا : ۱- آنها به نحوی ابلهانه مایل نبودند جنگ داخلی را شروع کنند . مثل اینکه تی بی بی با تلاش خود برای خلع سلاح قهر آمیز پاریس آنرا ( جنگ داخلی را ) آغاز نکرده بود ، مثل اینکه مجلس ملی - فوراً به جمهوری اعلان جنگ نداده بود ! ۲- بخاطر آنکه نسبت غصب قهرآمیز به آنها داده نشود ، لحظات گرانبهائی را تلف کردند ( بایستی بعد از به زانو در آوردن ارتجاعیون در پاریس ، بلافاصله به سوی ورسای پیشروی می کردند ) با انتخابات کمون و سازماندهی آن و غیره موجب ائتلاف وقت شدند . " (۲)

بورژوازی وقتی موفق می گردد خود را سازمان دهد ، قدم به قدم بسوی پاریس پیشروی می کند . در ماه مه کشتارهای دسته جمعی شروع می گردد . کارگران باحماسه آفرینی سنگر به سنگر مقاومت می کردند . ولی بورژوازی قدم به قدم سنگرهای کارگری را به تصرف در می آورد . محلات کارگرنشین با قهرمانی مقاومت می کنند . بورژوازی با خشونت دیوانه بار به کشتار کودکان و زنان و مردان دست می زند ، دیگر " تفنگ سرعت عمل لازم را در کشتن

نداشت ، و مسلسل بود که صدها تن از شکست خوردگان را یکجا نابود می کرد . دیوار هم پیمانان در گورستان پرلاشز، که جایگاه آخرین قتل عام توده های مردم بود ، همچون شاهدهی در عین حال خاموش ولی گویا بر میزان غیظ و نفرتی که طبقه ی حاکم قادر است به محض ایستادگی پرولتاریا برای دفاع از حقوق خود از خویشتن نشان دهد ، هنوز بر سر پاست . " (۳) چهره حیوانی و ضد بشری بورژوازی را کارگران در کمون به روشنی دیدند . چهره ای که دیگر نمی توانست خود را در زیر نقاب های متعددی پنهان نگه دارد . کشتار بیش از " -۳۰۰۰۰ تن زن و مرد و کودک " و دستگیری حدود ۴۵۰۰۰ نفر که بسیاری از آنها را بعداً اعدام نمودند ، تبعید و به زندان انداختن هزاران نفر ، کافی بود که پارسی ها و تمام فرانسه و تمام کارگران جهان دریابند که بورژوازی برای پاسداری از منافع طبقاتی اش از هیچ عملی برای کشتار کودکان و زنان و مردان کوتاهی نخواهد کرد .

کموناردها را کشتند ، به سیاهچالها انداختند ، به تبعید گاه ها روانه کردند . اما نتوانستند راهی را که آنها به کارگران جهان نشان دادند از بین ببرند . از اینروست که ما فریاد می زنیم : " نام کارگران پاریس ، با کمون شان ، برای همیشه به عنوان پیام آور پر افتخار جامعه ی نوین با احترام تمام یاد خواهد شد . خاطره ی شهیدان اش سرشار از تقدس در قلب طبقه ی کارگر برای همیشه باقی خواهد ماند . و آنان که دست به نابودی اش زدند از هم اکنون به چرخ عذاب و مذمت تاریخ بسته شده اند و دعای همه ی کشیشان شان با هم نیز برای آمرزش گناهان شان کفایت نخواهد کرد . " (۴)

زنده باد کمون !

۲۰۱۰ مارس /۱۳

۱-از مقدمه انگلس بر کتاب جنگ داخلی در فرانسه ۱۸۹۱ ترجمه سچفا ص ۲۵

۲-از نامه کار مارکس به به ویلهلم لیبکنشت از جزوه در باره کمون

۳-از مقدمه انگلس بر کتاب جنگ داخلی در فرانسه ۱۸۹۱ ترجمه باقر پرهام ص ۳۸

۴-از کتاب جنگ داخلی در فرانسه کارل مارکس ترجمه باقر پرهام ص ۱۵۲